

## بررسی ترجمه‌های مختلف قرآن به زبان آلمانی

پریسا درخشان مقدم \*

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران

فرح نارنجی \*\*

کارشناس ارشد آموزش زبان آلمانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۷/۶/۲۴، تاریخ تصویب: ۸۷/۹/۱۶)

### چکیده

در طول تاریخ بسیاری با انگیزه و شیوه‌های متفاوتی اقدام به ترجمه قرآن کریم کرده‌اند. بررسی و نقد ترجمه‌های پیشین و کشف توانمندی‌ها و کاستی‌های احتمالی آنها به منظور دستیابی به ترجمه‌ای مطلوب از قرآن کریم همواره لازم و راهگشاست. در این زمینه، مقاله حاضر به نقد و بررسی سه ترجمه شاخص قرآن به زبان آلمانی توسط سالمون شوایگر، دیوید فریدریش مگرلین و فریدریش روکرت با تمرکز بر سوره حمد پرداخته است. در این پژوهش ضمن ارائه تاریخچه‌ای از ترجمه قرآن به زبان آلمانی مشخص شد که اوضاع و جو سیاسی حاکم در شکل‌گیری ترجمه‌های نخستین آلمانی زبان قرآن و نیز، سیر تکامل آنها از قرون وسطی به دوره روشنگری و بعد از آن، نقش اساسی داشته است. همچنین اغراض و انگیزه‌های مترجمان در هر سده در این شکل‌گیری بی‌تأثیر نبوده‌اند. در بررسی ترجمه‌های ذکر شده از لحاظ سبک و روش، امانت‌داری در برگردان ساختار نحوی و معنایی قرآن و یا اتخاذ شیوه‌ای علمی و دقیق به چشم نمی‌خورد. نتایج بررسی ترجمه‌های سوره حمد از دو جنبه روستاخت و ژرف ساخت نیز نشان می‌دهد که عدم تسلط مترجم به زبان عربی و نیز کمک نگرفتن از تفاسیر معتبر اسلامی، منجر به کج فهمی‌های اساسی در برگردان واژه‌ها و مفاهیم قرآنی شده است. نقاط قوت و ضعف حاصل از این بررسی، راهکارهایی را برای ترجمه بهینه قرآن ارائه کرده است.

واژه‌های کلیدی: قرآن، ترجمه تحت الفظی، ترجمه آزاد، ترجمه تفسیری، نقد.

\*تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۶۱۴۰۱، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۳۷۶۹۲، E-mail: parisa\_dsh@yahoo.com

\*\*تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۶۱۷۰۴، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۳۷۶۹۲، E-mail: fnarendji@yahoo.de

## مقدمه

پیشینه ترجمه قرآن به سال‌های صدر اسلام باز می‌گردد، یعنی به زمانی که پیامبر (ص) به سلمان اجازه داد سوره حمد را به فارسی ترجمه کند تا فارسی‌زبانان بتوانند آن را در نماز بخوانند و کم‌کم عادت کنند. در هجرت نخستین مسلمانان به حبشه نیز جعفر ابن ابی طالب بخشی از سوره مریم را برای نجاشی پادشاه حبشه ترجمه کرد که موجب گرایش وی به حقانیت اسلام گردید (معرفت ۱۹۶). اما ترجمه قرآن به زبان‌های اروپایی از سده ۱۱ م. آغاز شد و در سده ۱۸ م. مراحل تکامل خود را پیمود. در ترجمه‌های ارائه شده در سده‌های اخیر، بیشتر ترجمه‌های پیشین و نه اصل عربی آن اساس کار جدید بوده است. این ترجمه‌ها که می‌توانست در سطحی محدود قرآن و اسلام را به اروپاییان شناساند، بدور از گرایش‌ها و تعصبات مذهبی نبوده است.

در میان اروپاییان، آلمانی‌زبانان سهم بسزایی در ترجمه قرآن داشته‌اند، بطوری‌که بیش از ۳۰ مترجم با ملیت‌ها، مذاهب و نیز انگیزه‌های مختلف اقدام به ترجمه قرآن کرده‌اند. این مقاله به نقد و بررسی سه ترجمه شاخص قرآن به زبان آلمانی توسط سالمون شوایگر، دیوید فریدریش مگرلین و فریدریش روکرت با تمرکز بر سوره حمد می‌پردازد اما، پیش از آن، برآنست تا با نگاهی به تاریخچه ترجمه قرآن به زبان آلمانی، از آغاز تا کنون، شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی موجود در هر دوره را باز گوید، تا علل و انگیزه‌های ترجمه قرآن آشکار شود.

## بخش اول: ترجمه‌های آلمانی قرآن در گذر تاریخ

اولین بار قرآن به دستور پیتر مقدس (Petrus Venerabilis)، راهب معروف و رئیس دیر کلونی (Cluny) فرانسه به زبان لاتین ترجمه شد. وی هدف خود را از ترجمه قرآن چنین بیان کرد «نباید با فرقه ارتدادی محمدیان تنها با زور بی‌منطق سلاح به مقابله پرداخت، بلکه مبارزه باید از طریق قدرت کلام انجام شود[...].» (فوک ۵).

بنابراین او به هنگام سفر به اسپانیا در سال ۱۱۴۲ م. که به منظور بازدید از صومعه‌های کلونی صورت گرفت، چند تن از دانشمندان را به سرپرستی طرح‌های مختلف ترجمه، با هدف تغییر مذهب مسلمانان به مسیحیت گمارد. برای دستیابی به چنین هدفی، پیتر قرآن را به عنوان مهمترین منبع شناخت اسلام برگزید و در همین راستا دانشمندی انگلیسی بنام روبرت کتون (Robert of Ketton) کار ترجمه قرآن را به زبان لاتین به عهده گرفت. این ترجمه که

دارای اشتباهات فراوانی بود، به همراه چند رساله کوتاه درباره زندگی پیامبر (ص) و ردیه‌هایی بر اسلام به قلم پیتر در مجموعه‌ای به نام *طَلْبَطْلَه* (*Corpus Toletanum*) بیش از ۵۰۰ سال تصویر مخدوش از اسلام برای مردم مغرب زمین به نمایش گذاشت و تا قرن ۱۶م. مهمترین و در عین حال پر اشتباه‌ترین منبع شناخت اسلام در میان اروپاییان بود. از روی این ترجمه، بارها نسخه‌برداری شد. یکی از این نسخه‌ها به دست عالم الهیات سویسی بنام *تئودور بیبلیاندر* (*Theodor Bibliander*) افتاد. وی از این نسخه در سال ۱۵۴۳ در تهیه ترجمه لاتینی قرآن استفاده کرد. مارتین لوتر (*Martin Luther*)، مصلح دینی و مترجم انجیل به زبان آلمانی، مقدمه‌ای بر ترجمه بیبلیاندر افزود و تلاش کرد موانع انتشار این ترجمه را از میان بردارد. این ترجمه مبنای انتشار بسیاری از ترجمه‌های قرآن به زبان‌های اروپایی شد، به طوری که ترجمه ایتالیایی *آندره آریوآبنه* (*Andre Arrivabene*) از این ترجمه مایه گرفته است. گرچه خود او مدعی بود که قرآن را از اصل عربی برگردان کرده است، لیکن دانشمند بزرگ هلندی، ژوزف اسکالیژ (*Joseph Scaliger*)، برای اولین بار ثابت کرد که این ادعا صحت ندارد. اگر ترکیب این ترجمه قرآن را که به سه بخش تقسیم شده است، در نظر بگیریم، اثبات آن بسیار ساده خواهد بود. بخش اول مشتمل بر سه رساله از مجموعه *طَلْبَطْلَه* است و ترجمه قرآن بخش دوم (سوره‌های ۱-۱۸) و سوم این کتاب را تشکیل می‌دهد. و این همان ترتیبی است که بیبلیاندر در ترجمه لاتینی خود بکار برده است. (بوتسین، ۱۳۷۹، ۳۵).

اولین مترجم قرآن به زبان آلمانی *سالومون شوایگر* (*Salomon Schweigger*)، روحانی عضو هیأت نمایندگی اتریش در سال‌های ۱۵۸۱-۱۵۷۸، نام دارد. وی به هنگام بازدید از پایتخت عثمانی با ترک‌های مسلمان و ترجمه ایتالیایی *آریوآبنه* از قرآن آشنا شد و پس از بازگشت به آلمان این نسخه ایتالیایی را به زبان آلمانی ترجمه کرد که در سال ۱۶۱۶ به چاپ رسید. شوایگر نام این ترجمه را *قرآن ترک‌ها* (*Der Türcken Alcoran*) گذاشت که نشان دهنده عدم آگاهی کافی وی از دین اسلام است. همچنین جای سؤال است که چرا شوایگر به جای ترجمه محققانه بیبلیاندر از این نسخه ایتالیایی استفاده کرده است. ترجمه شوایگر در سال‌های ۱۶۵۹ و ۱۶۶۴ تجدید چاپ شد.

در سال ۱۶۸۸/ *برهارد ورنل هاپل* (*Eberhard Wernel Happel*)، رمان‌نویس و روزنامه‌نگار آلمانی، دومین ترجمه قرآن را با عنوان *کتاب قانون ترکی* (*Türkisches Gesetzbuch*) بازنویسی و در اثر مشهورش به نام *گنجینه کم نظیر* (*Thesaurus Exoticorum*) که دایره‌المعارف مصوری درباره سرزمین‌ها و همچنین سلاطین

عثمانی است، گنجانده. از سرگذشت مترجم اصلی قرآن، یوهان لانگه (Johann Lange)، و نیز ترجمه اصلی وی اطلاعاتی در دست نیست. تنها در عنوان کتاب هاپل آمده است که لانگه این ترجمه را از ترجمه فرانسوی آندره دوریه (Andre du Ryer) نوشته است.

دیوید نرتر (David Nerreter)، کشیش پروتستانی، سومین ترجمه قرآن را در سال ۱۷۰۳ م. از روی نسخه ایتالیایی لودوویکو ماراچی (Ludovico Marracci) به روی کاغذ آورد و پس از او تئودور آرنولد (Theodor Arnold) در سال ۱۷۴۶ بر اساس ترجمه انگلیسی جرج سیل (Georg Sale) ترجمه جدیدی به زبان آلمانی نگاشت.

اما نخستین ترجمه قرآن به زبان آلمانی که از روی اصل عربی آن نوشته شده، از کشیشی به نام دیوید فریدریش مگرلین (David Friedrich Megerlin)، است. وی در سال ۱۷۷۲ ترجمه‌اش را با عنوان قابل بحث *انجیل ترکی (Die türkische Bibel)* ارائه داد. همانطور که از عنوان این ترجمه پیداست، اثر تعصبات و گرایش‌های مذهبی مترجم در آن بسیار چشمگیر است.

در سال ۱۷۷۳ فریدریش ابرهارد بویزن (Friedrich Eberhard Boysen) کشیش دربار کوند لینیورگ (Quedlinburg) ترجمه دیگری از اصل عربی قرآن با نام *قرآن یا قانون برای مسلمانان (Der Koran, oder Das Gesetz für die Muslemer)* نگاشت. تمام ترجمه‌های آلمانی قرآن تا این تاریخ به نوعی بازتاب افکار جزمی و تعصب‌آمیز کلیسا بودند و تازه در قرن نوزدهم میلادی بود که نگرشی علمی و محققانه نسبت به اسلام و شرق آغاز شد. یوهان کریستیان ویلهلم آگوستی (Johann Christian Wilhelm Augusti) خاورشناس و استاد الهیات در جِنا (Jena)، اولین مترجم آلمانی زبان قرآن بود که به آهنگ، وزن و آوای قرآن توجه داشت و در سال ۱۷۹۸ تلاش کرد ترجمه‌ای منظوم از چند سوره قرآن ارائه دهد. اما آگوستی در ترجمه‌اش به فرم قرآن خیلی بیشتر از محتوای آن توجه داشت. پس از او یوزف فرایهر فن هامر پورگشتال (Josef Freiherr von Hammer Purgstall)، دیپلمات اتریشی و مترجم ادبیات شرق، در سال ۱۸۰۴ ترجمه‌ای کاملتر و بهتر از آگوستی از بخشی از قرآن ارائه داد.

ترجمه قرآن فریدریش روکرت (Friedrich Rückert)، شاعر، زبان‌شناس و خاورشناس آلمانی، از حیث زیبایی‌شناسی در میان ترجمه‌های پیشین، شاهکاری در زبان آلمانی به شمار می‌رود. روکرت که به بیش از بیست زبان دنیا آشنایی داشته است، کوشید تا از شیوه بلاغت قرآن تقلید کند و برای نخستین بار نوانست سبک زیبای قرآن را به خوانندگان آلمانی زبان

معرفی کند. اما ترجمه روکرت دقیق نبوده و در بسیاری از موارد مطابق با متن اصلی نیست. مترجم، بعضی از آیات و واژه‌های قرآنی را به دلخواه حذف کرده است تا بتواند ترجمه‌ای موزون ارائه دهد. وی در سال ۱۸۲۴ پاره‌ای از ترجمه‌های خود از قرآن را در مجله *Zeitschrift für die Evangelische Theologie* (Frauentaschenbuch) منتشر ساخت. اما مجموعه دستنوشته‌های او از قرآن ده سال پس از مرگش در سال ۱۸۸۸ به چاپ رسید. البته روکرت تنها سه چهارم قرآن را ترجمه کرده و در این میان ده سوره از قرآن حذف شده است.

همانطور که در بالا اشاره شد، قرن نوزدهم میلادی آغاز نگرشی علمی در حوزه خاورشناسی و اسلام‌شناسی بود. بدین معنا که مترجم پیش از پرداختن به ترجمه قرآن درباره اسلام و قرآن تحقیقاتی انجام داده است. در بین ترجمه‌های علمی قرآن نام چهار مترجم (ماکس هنینگ Max Henning، لازاروس گلد اشمیت Lazarus Goldschmidt، رودی پارت Rudi Paret و تئودر خوری Theodor Khoury) بیش از دیگران به چشم می‌خورد:

۱. ماکس هنینگ (Max Henning)، که نام مستعار خاورشناس و مترجم قرآن، فریدریش اگوست مولر (Friedrich August Müller) است، ترجمه‌اش را در سال ۱۹۰۱ از اصل عربی قرآن نگاشته است. هلموت گتیه (Helmut Gätje)، پژوهشگر آلمانی قرآن و نویسنده کتاب *Koran und Koranexegese*، از میان ترجمه‌های آلمانی قرآن تا این تاریخ، تنها ترجمه ماکس هنینگ را قابل استفاده و استناد می‌شمارد.

۲. لازاروس گلد اشمیت (Lazarus Goldschmidt)، خاورشناس و دانشمند یهودی، ترجمه‌ای از قرآن ارائه داد که در سال ۱۹۱۶ در برلین به چاپ رسید.

۳. رودی پارت (Rudi Paret)، استاد بازنشسته دانشگاه و اسلام‌شناس آلمانی، عمری دراز و پر بار را در زمینه پژوهش‌های عربی و اسلامی سپری کرده است. ترجمه قرآن وی که در سال ۱۹۶۶ به چاپ رسید، از نظر برخی قرآن پژوهان آلمانی، در مقایسه با ترجمه‌های پیشین ترجمه‌ای ممتاز به شمار می‌رود.

۴. عادل - تئودور خوری (Adel Theodor Khoury)، استاد اسلام‌شناسی و الهیات در دانشکده مونستر آلمان، ترجمه‌ای از قرآن با همکاری فردی مسلمان به نام محمد سلیم عبدالله در سال ۱۹۸۷ به چاپ رساند که پس از ترجمه رودی پارت ترجمه‌ای مشهور و متداول به شمار می‌آید. وی که اصالتاً عرب زبان و اهل لبنان است، بار دیگر طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ ترجمه و تفسیر قرآن در دوازده جلد را منتشر کرده است.

در سال‌های اخیر بسیاری از مسلمانان آلمانی زبان نیز اقدام به ترجمه قرآن کریم کرده‌اند

که در راس آنها می‌توان به جنبش /حمادیه اشاره کرد که با اهداف تبلیغی و به دستور خلفای این جنبش سه ترجمه در سال‌های ۱۹۳۹، ۱۹۵۴ و ۱۹۸۹ از قرآن ارائه داده‌اند. اما اولین آلمانی مسلمانی که قرآن را ترجمه کرد /حمد فن دنفر (Ahmad von Denffer) نام دارد که در سال ۱۹۹۶ ترجمه خود را منتشر ساخت. وی ریاست هیأت کمک به مسلمانان را نیز به عهده دارد. یکی از بهترین ترجمه‌ها و نیز اولین ترجمه گروهی قرآن به زبان آلمانی به دست جمعی از مسلمانان آلمانی زبان و به سرپرستی فاطمه‌گربیم (Fatima Grimm) در سال ۱۹۹۸ ارائه شده است. خانم گربیم در ۲۶ سالگی به دین اسلام مشرف شد. در سال ۲۰۰۲ م. نیز ترجمه دیگری از قرآن کریم به زبان آلمانی از سوی «مجمع ملک فهد» و زیر نظر وزارت اوقاف عربستان سعودی در مدینه منوره انتشار یافت. یکی از مترجمان مسلمان این اثر شیخ عبدالله الصامت (Scheich Abdullah as-Samet) است که در آلمان به دنیا آمده و نام اصلی‌اش فرانک بوبنهایم (Frank Bubenheim) است. مترجم دیگر دکتر نادم الیاس (Nadem Elyas) است که در مکه تولد یافت، اما سال ۱۹۶۴ ساکن آلمان شد. وی مطالعات اسلامی را در عربستان آموخته و در آلمان در رشته پزشکی فارغ‌التحصیل شده است. اکنون سه ترجمه شاخص قرآن به زبان آلمانی با تمرکز بر سوره حمد مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

#### بخش دوم: بررسی ترجمه‌های شاخص قرآن به زبان آلمانی

##### ۱- سالمون شوایگر

##### ۱-۱ بررسی ترجمه سالمون شوایگر

سالمون شوایگر، اولین مترجم قرآن به زبان آلمانی، در بخشی از عنوان ترجمه ۲۶۷ صفحه‌ای خود آورده است:

«قرآن محمّد که قرآن ترک‌هاست». این عنوان حاوی پیامی بدین مضمون است که قرآن توسط پیامبر اسلام (ص) نوشته شده است و این کتاب متعلق به ترک‌هاست.

هرمان ساموئل ریماروس (Hermann Samuel Reimarus) یکی از صاحب نظران عصر روشنگری می‌نویسد: «من مطمئنم در میان کسانی که دین ترکی را به این یا آن نقص متهم

می‌کنند، تنها تعداد معدودی آنان قرآن را مطالعه کرده‌اند، و نیز از میان آنانی که در واقع این کتاب را خوانده‌اند، تعداد بسیار کمتری وجود داشته‌اند که سعی کرده‌اند به کلمات و عبارات موجود در آن معنای درست و صحیحی را که هر واژه مستعد آن است بیخشند» (شیمل ۸)

شوایگر که ترجمه خود را از روی نسخه ایتالیایی آندره آریوآینه نوشته بود، به دلیل سه بخشی بودن متن اصلی، گمان می‌کرد که فرم اصلی قرآن نیز به همین گونه است بنابراین در مقدمه ترجمه‌اش به اشتباه از سه کتاب قرآن نام برده است. این گفته نشانگر آن است که شوایگر متن اصلی قرآن را ندیده و تکیه‌اش در ترجمه، تنها بر برگردان آریوآینه بوده است.

#### ۲-۱- انگیزه شوایگر از ترجمه قرآن

در دوره سالمون شوایگر و بعد از آن، ترک‌های عثمانی خطری جدی برای اروپا محسوب می‌شدند. امپراتوری عثمانی که به عنوان بزرگ‌ترین و پهناورترین دولت اسلامی، پس از فروپاشی خلافت عباسی شناخته می‌شود، در سده سیزدهم میلادی در سرزمین آناتولی ظهور کرد و در سده چهاردهم قلمرو خود را در قاره اروپا گسترش داد. دولت عثمانی در سده پانزدهم میلادی به اوج اقتدار و شکوه خود دست یافت. اقتدار و شکوهی که بیش از یک قرن دوام آورد. شوایگر زمانی ترجمه خود را منتشر ساخت که عثمانی کشوری پهناور بود و قلمرو آن در اروپا تا پشت دروازه‌های شهر وین<sup>۱</sup> امتداد داشت. وی نگرانی خود را از گسترش آموزه‌های اسلام در میان اروپاییان در مقدمه ترجمه‌اش با هشدار از خطر ترک‌ها که به عقیده وی قصد ریشه‌کن کردن مسیحیت را دارند، به وضوح ابراز می‌کند. هر چند که وی در مقدمه، هدف خود را از ترجمه قرآن در دسترس ساختن آن برای آلمانی‌زبانان عنوان کرده است، اما در جای دیگر، قرآن، اسلام و پیامبر (ص) را مورد اهانت قرار داده است.

#### ۳-۱- روش ترجمه شوایگر

شوایگر تحت تأثیر عقاید مارتین لوتر که گفته بود: «باید مادر را در خانه، بچه‌ها را در کوچه و خیابان، مردم عادی را در بازار در حال خرید و یا رجز خوانی دید که چگونه صحبت می‌کنند، سپس ترجمه کرد. آنگاه در می‌یابید و می‌توانید بگویید که با آنها آلمانی صحبت می‌کنید». (درخشان مقدم ۳۲-۳۳) تلاش کرد تا با ارائه ترجمه‌ای آزاد سوره‌های قرآن را برای

۱- شهر وین، پایتخت امپراتوری هابسبورگ، قلب اروپا نامیده می‌شد.

آلمانی‌زبانان قابل فهم سازد.<sup>۱</sup> اما در راستای دستیابی به چنین هدفی، بعضی از واژه‌های قرآن و یا حتی آیات آن را حذف کرد و عباراتی را نیز بر آن افزود. که باعث تغییر معنای اصلی قرآن شد.

#### ۴-۱- ترجمه شوایگر از سوره حمد

ترجمه شوایگر از قرآن با سوره حمد آغاز می‌شود که وی آن را چنین معرفی می‌کند:

*Der Machometaner Gebett/welches sie die Mutter deß Alcorans nennen.*

(نیایش محمدیان که آنها آن را ام‌الکتاب می‌نامند.)

#### *Surah al-Fatiha*

*Im Namen des barmherzigen gütigen Gottes/deß herrn aller dingen/ deß Richters  
deß zukünftigen Gerichts/ der da ist hochgelobet allezeit/dich bitten wir/auff dich  
haben wir unser vertrauen/führe uns auff den rechten weg/ auff den Weg  
derjenigen/die du hast außerwählet/und nicht der jenigen/über die du zürnest/  
nemblich die Ungläubigen“.*

(سوره فاتحه به نام خدای بخشنده نیک، که خدای همه چیز است، که قاضی دادگاه آتی است / که او در هر زمانی ستوده است، از تو استدعا داریم، به تو توکل می‌کنیم، ما را به راه درست هدایت کن، راه کسانی که تو آنها را برگزیدی و نه راه آنانی که بر آنها خشم گرفتی، یعنی کافران.)

#### الف. نقد و ساخت

علامت ویرگول در این ترجمه به صورت خط مورب آمده و تنها در انتهای ترجمه نقطه گذاشته شده است. یعنی سوره حمد به صورت یک متن یک پارچه و بدون مجزا کردن آیات از یکدیگر ترجمه شده است. همچنین بسیاری از معادل‌های انتخابی در این ترجمه غلط جایگزین شده‌اند، که به چند نمونه از این موارد اشاره می‌شود:

۱- از این شیوه ترجمه در زبان و فرهنگ آلمان اصطلاحاً تحت عنوان «آلمانی سازی» (Verdeutschen) نام برده شده است (حقانی، ۱۳۸۶، ۳۰) و این همان شیوه‌ای است که مارتین لوتر آن را در ترجمه انجیل از زبان لاتین به آلمانی به کار برده است.



ترجمه «الحمد» به صورت «hochgelobt» به معنی «بسیار ستوده شده»، «العالمین» به صورت «alle dinge» به معنی «کل شیء»، «مالک» به صورت «Richter» به معنی «قاضی» و یا «الضالین» به صورت «Ungläubigen» به معنای «کافران» ترجمه شده‌اند.

#### ب. نقد ژرف ساخت

در ترجمه سوره حمد، شواگرد بعضی از آیات را جابجا و یا حذف کرده است. به عنوان مثال «الحمد لله» در آیه دوم حذف و بعد از آیه چهارم «مالک يوم الدين» آورده شده. همچنین آیه سوم «الرحمن الرحيم» حذف شده است. در برگردان آیه پنجم و ششم درست به مانند متن اصلی قرآن، مفعول پیش از فاعل آمده است: «ایاک نعبد»: «dich bitten wir» «از تو استدعا داریم» و یا «ایاک نستعین»: «auff dich haben wir unser vertraue» «به تو توکل می‌کنیم»، هر چند که معانی درست آنها «تنها تو را می‌پرستیم» و «تنها از تو یاری می‌خواهیم» می‌باشند. آیه آخر نیز هم به دلیل استفاده از معادل‌های نادرست و هم فهم غلط، معنای کلی آیه اشتباه برگردان شده است:

«صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم والضالين»

"auff den Weg derjenigen/die du hast auferwählet/und nicht derjenigen/über die du zürnest/nemblich die Ungläubigen"

«راه کسانی که تو آنها را برگزیدی و نه راه آنانی که بر آنها خشم گرفتی، یعنی کافران» کلمه «غیر» بدل از ضمیر «هم» در «عَلَيْهِمْ» است، بنابراین گروه «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» نه مغضوبند و نه ضالین، نه این که سه گروه در عرض هم تصور شوند که ما مشمول گروه اول بشویم، ولی مشمول گروه دوم و سوم نشویم؛ بلکه مراد این است که ما مشمول گروه «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» شویم؛ همان گروهی که ویژگی‌های گروه دوم و سوم در آنها راه ندارد (کوشا ۱۷).

بنابراین معنای درست آیه به این صورت است:

"den Weg derer, denen Du Gnade erwiesen hast, und die weder vom Zorn (Allahs) geplagt werden noch abgeirrt sind!"

«راه آنهایی که برخوردارشان کردی (مشمول نعمت خود ساختی)، همانان که نه در خور خشمند و نه گمگشتگان».

#### ۱-۵- نقاط قوت ترجمه

این ترجمه توانسته است هزار سال پس از پیدایش اسلام اطلاعاتی درباره قرآن به آلمانی‌زبانان ارائه کند. هرچند که ترجمه شو/یگر دارای اشتباهات فراوانی است اما این اشتباهات برخاسته از عدم آگاهی و تسلط وی به زبان عربی است زیرا وی کوشیده که اهداف جزئی و مغرضانه را لااقل در برگردان واژه‌ها دخالت ندهد. یکی دیگر از نقاط قوت این ترجمه نمایه نام‌هاست است که در ۱۸ صفحه و به ترتیب الفبا تنظیم یافته و در انتهای ترجمه آمده است.

#### ۱-۶- نقاط ضعف ترجمه

- ترجمه شو/یگر نه از اصل عربی بلکه از ترجمه ایتالیایی برگردان شده که این ترجمه نیز خود تکیه بر ترجمه لاتینی قرآن داشته است. واضح است که چنین ترجمه‌ای نمی‌تواند از صحت لازم برخوردار باشد.

- شو/یگر هیچگونه اطلاعاتی درباره ساختار زبان عربی و نیز آموزه‌های قرآن نداشت و با اسلام تنها از طریق ترک‌های مسلمان عثمانی که نسبت به آنها دیدگاهی خصمانه داشت آشنا شده بود.

- این عقاید خصمانه نسبت به اسلام در مقدمه ترجمه بیان شده است تا افکار خوانندگان را پیش از خواندن ترجمه قرآن واکسینه کند.

- نام‌های سوره‌های قرآن ترجمه نشده‌اند. به عنوان مثال: «al-Fatiha» که به آلمانی ترجمه نشده است.

- برای فهم بهتر قرآن شو/یگر از هیچ کتاب یا ترجمه دیگری کمک نگرفته و تکیه‌اش تنها به ترجمه آریوآبانه بوده است.

- شوایگر در روش ترجمه آزاد خود، بعضی از آیات قرآن را حذف کرده و نیز جملاتی به آن افزوده است که این افزایش‌ها نیز در گیومه قرار نگرفته‌اند.

#### ۲- دیوید فریدریش مگرلین

##### ۲-۱- بررسی ترجمه دیوید فریدریش مگرلین

گوته (Goethe)، شاعر بلند آوازه آلمان در نقدی، این ترجمه را که عنوان انجیل ترکی (*Die türkische Bibel*) را یدک می‌کشد «دستاوردی نکبت بار» می‌نامد (بوتسین، ۱۹۹۵، ۱۱).

گرچه این اثر در عصر روشنگری (۱۷۶۸-۱۶۹۴) نوشته شده است، اما انتخاب این عنوان نشان می‌دهد که مترجم نتوانسته است خود را از بند تمایلات و تعصبات مذهبی رها سازد و به دور از احساسات جزمی و متعصبانه، با کمک نیروی تعقل و تفحص خویش که خاص این دوران است به ترجمه این کتاب مقدس بپردازد.

#### ۲-۲- انگیزه مگرلین از ترجمه قرآن

عنوان این ترجمه و نیز تصویری از پیامبر (ص) که در کنار عنوان شبیه سلاطین عثمانی ترسیم شده است و نوشته‌ای در زیر تصویر که پیامبر اسلام (ص) را دروغین خوانده، همگی نشان می‌دهد که هدف مترجم از ترجمه قرآن، اهانت به مسلمانان و تحقیر دین اسلام بوده است.

#### ۲-۳- روش ترجمه مگرلین

روش ترجمه مگرلین «آزاد» به همراه بسیاری از اشتباهات نحوی و ژرف‌ساختی است که در بررسی ترجمه سوره حمد بیشتر با آن آشنا می‌شویم.

#### ۲-۴- ترجمه مگرلین از سوره حمد

*übersetzung der Sure Al-Fatiha*

*„Im Namen des Dreyeinigen Gottes! Des aus der Arabischen Ursprache, neu ins Teutsche uebersetzten Alkorans Istens Capitel, oder die Sura des Eingangs des Buchs...“*

*„Im Namen Gottes des barmherzigsten Liebhabers. 1. Preiß seye Gott! 2. Dem Herrn aller Geschoepfe. 3. Dem Koenig des Tags des Gerichts. 4. Dem barmherzigen Erbarmer. 5. Dich verehren wir, und dich flehen wir an um Beystand. 6. (Darum) Fuehre uns auf den richtigen Weeg. 7. Auf den Weeg deren, gegen welche du (vor diesem) guetig gewesen bist. 7. Auf welche du dich nicht erzuert (bezeugen muessen), und die (jetzo) noch nicht irren.*

(ترجمه سوره فاتحه «به نام سه خدا (پدر، پسر، روح القدس)! ترجمه‌ای که این اواخر از اصل عربی به زبان آلمانی ترجمه شده است. فصل اول قرآن یا سوره آغازین کتاب...» به نام

خدایی که بخشنده‌ترین عاشق است ۱. ستایش خدای را ۲. آن خدای همه مخلوقات ۳. که پادشاه روز جزاست ۴. آن دلسوزی که بخشنده است ۵. تو را می‌پرستیم و ملتمس یاری توایم ۶. پس ما را به راه درست هدایت کن ۷. به راه کسانی که با آنها مهربان بودی ۷. به راه کسانی که به آنها خشم نگرفتی و آنهایی که هنوز گمراه نشدند.)

#### الف. نقد روساخت

نکته قابل توجه در این ترجمه، شماره گذاری آیات است که اگر خوب به آن دقت کنیم متوجه می‌شویم که این تقسیم‌بندی و شماره‌گذاری نسبت به اصل عربی قرآن نادرست است. اول این که «بسم الله الرحمن الرحيم» در شماره‌گذاری آیات به حساب نیامده و بعد آیه دوم قرآن «الحمد لله رب العالمين» به دو قسمت «الحمد لله» و «رب العالمين» تقسیم شده و آیه سوم قرآن «الرحمن الرحيم» تازه بعد از آیه چهارم «مالک يوم الدين» آمده است.

با این که این ترجمه مستقیماً از اصل عربی برگردان شده، ولی مترجم به شکل و سبک قرآن توجهی نداشته است. معادل‌های انتخابی مگرلین نسبت به شواگرد از صحت و دقت بیشتری برخوردار است، هرچند که بعضی از این معادل‌ها کاملاً اشتباه جایگزین شده‌اند مثل: «رحيم» که در آیه اول «Liebhaber» یعنی «عاشق» و در آیه دوم «Erbarmer» یعنی «دلسوز» ترجمه شده و یا «انعمت عليهم» که «gegen welche du gutig gewesen bist» یعنی «با آنها مهربان بودی» ترجمه شده است.

#### ب. نقد ژرف ساخت

مگرلین مطالبی را به ترجمه‌اش افزوده است تا افکار خوانندگان را از تأثیرات قرآن واکسینه کند. به عنوان مثال در ابتدای ترجمه سوره «حمد» کلام را به نام سه خدا (تثلیث مسیحیت) آغاز کرده است که نوعی جبهه‌گیری علیه اصل «یگانه‌پرستی» اسلام است:

[به نام پدر، پسر، روح القدس] [Im Namen des Dreyeinigen Gottes!]

هرچند که مگرلین ترجمه خود را از اصل عربی قرآن برگرفته، اما عدم تسلط وی به زبان عربی در ترجمه آیات قرآن به خوبی پیداست مثلاً: «رحمن» و «رحيم» دو صفت برای اسم جلاله «الله» اند اما در ترجمه مگرلین، «رحمن» صفت برای اسم «رحيم» قرار گرفته است: «الرحمن الرحيم»

«آن دلسوزی که بخشنده است»: "Dem barmherzigen Erbarmer"

که ترجمه درست آن عبارت است از:

"Dem Barmherzigen und Gütigen"

«[خداوند] رحمتگر مهربان»:

و یا ترجمه آیه آخر که انتخاب معادل‌های اشتباه در ترجمه، سبب تغییر معنای آن شده

است:

"Auf den Weeg deren, gegen welche du (vor diesem) guetig gewesen bist. 7. Auf welche du dich nicht erzuernt (bezeugen muessen), und die (jetzo) noch nicht irren".

[به راه کسانی که با آنها مهربان بودی ۷. به راه کسانی که به آنها خشم نگرفتی و آنهایی که هنوز گمراه نشدند]

#### ۲-۵- نقاط قوت ترجمه

- این ترجمه اولین ترجمه آلمانی زبان است که مستقیم از روی اصل عربی قرآن انجام گرفته است.

- بعضی از واژه‌هایی را که خود مترجم به کار افزوده است، در پراکنش قرار گرفته‌اند.

- مترجم سعی کرده است تا در کنار نام عربی سوره «Al-Fatiha» ترجمه‌اش را هم بیان کند: «سوره آغازین کتاب»

#### ۲-۶- نقاط ضعف ترجمه

- این ترجمه به قدری آزاد است که در آن سبک و شکل قرآن به کلی نادیده گرفته شده و مترجم به خود اجازه داده است که بعضی از آیات قرآن را به دلخواه جابجا کند.

- معادل‌های انتخابی مگرلین نشان دهنده عدم تسلط وی به زبان عربی است، در صورتی که تسلط به هر دو زبان مبدأ و مقصد یکی از شرایط اصلی و مهم هر مترجم به شمار می‌رود.

- آثار عقاید جزمی و متعصبانه مگرلین در ترجمه به وضوح پیداست.

- مترجم برای درک بهتر قرآن از تفاسیر اسلامی کمک نگرفته و تنها به دانش خود در زبان عربی متکی بوده است.

- مگرلین در عنوان، مقدمه و نیز با گزارش‌هایی در خود ترجمه تلاش کرده است تا افکار خوانندگان را پیش از خواندن ترجمه با تبلیغات مسموم خود علیه اسلام بمباران کند.

- با توجه به ترجمه‌های دیگری که در عصر روشنگری از قرآن صورت گرفته است، این

کار نوعی پسرفت به دوره قرون وسطی محسوب می‌شود.

### ۳- فریدریش روکرت

#### ۳-۱- بررسی ترجمه فریدریش روکرت

یکی از ترجمه‌های قابل توجه قرآن که به زبان آلمانی نگارش یافته، ترجمه فریدریش روکرت است که ده سال پس از مرگش به چاپ رسید، البته روکرت قرآن را به طور کامل ترجمه نکرده است. عناوین ده سوره حذف شده در این ترجمه عبارتند از: ۱. حاقه (۶۹) ۲. نوح (۷۱) ۳. نبأ (۷۸) ۴. بروج (۸۵) ۵. طارق (۸۶) ۶. اعلی (۸۷) ۷. فجر (۸۹) ۸. بینه (۹۸) ۹. زلزله (۹۹) ۱۰. همزه (۱۰۴)

از ویژگی‌های منحصر به فرد این ترجمه، تقلید مترجم از شیوه بلاغت قرآن است. روکرت سعی کرده است تا به شکل قرآن وفادار بماند، ولی در راه دستیابی به چنین هدفی مجبور شده است که بعضی از معانی کلمات را مقدم و مؤخر سازد تا بتواند عباراتی مسجع ارائه دهد. در عین حال بسیاری از آیات را تنها به این دلیل که برایش جالب نبوده‌اند و یا آیاتی که به عقیده او فایده‌ای از لحاظ معنا نداشته‌اند را حذف کرده است که به عنوان نمونه می‌توان به چند آیه سوره بقره استشهاد نمود: سوره بقره، آیه (۲۷۶)

«يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيَرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ»

«خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد و خدا هرکس را که در کفر خود مصر است و آلوده به گناه، دوست نمی‌دارد.»

ترجمه روکرت:

*Gott tilgt den Wucher, wuchern läßt er die Almosen; und liebt keinen undankbarer Leugner"*

"خدا ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد و خداوند هیچ منکر ناسپاس را دوست نمی‌دارد." روکرت واژه عربی «کفار» را که صیغه مبالغه است و به معنی "hartnäckiger Ungläubiger" "کسی است که پافشاری در کفر می‌کند" را "undankbarer Leugner" "انکار کننده ناسپاس" ترجمه کرده و «اثیم» را که صفت مشابه از «اثم» است و به معنای «sündig» «گناهکار»، ترجمه نکرده است. روکرت آیه (۲۷۷) سوره بقره را نیز بدون ترجمه رها کرده است. ترجمه آیه (۲۷۸) نیز از گزند بی‌اعتنایی روکرت در امان نمانده است:

«يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقى من الربوا ان كنتم مؤمنين»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا کنید و آن زیادی مال را که در اثر ربا به دست آمده، رها کنید، اگر دارای ایمانید».

روکرت تا آخر «ما بقی من الربوا» ترجمه کرده و جمله شرطیه «ان کنتم مؤمنین» «اگر دارای ایمانید» را حذف کرده است:

"Ihr die da glaubt, fürchtet Gott, und gebet auf, eas unter euch noch übrig ist von Wucher!"

تسلط روکرت به زبان عربی با ترجمه‌هایی که از این زبان به آلمانی انجام داده است، همانند: (مقامات حریری، حماسه ابوتمام و دیوان امرء القیس) بر کسی پوشیده نیست، پس نتیجه می‌گیریم که آیات یا واژه‌های حذف شده یا برای او جالب نبوده‌اند و یا به گمان او فایده‌ای از لحاظ معنا نداشته‌اند.

### ۲-۳- انگیزه روکرت از ترجمه قرآن

روکرت با اثرپذیری از اندیشه رایج در آلمان، مبنی بر این که زبان آلمانی تنها زبانی است که توانایی دارد زبان جهانی باشد، کوشیده است افزون بر ترجمه، از بلاغت قرآن نیز تقلید کند. طبق این اندیشه، زبان یونانی قدیم مرحله‌ای از تطور زبان به شمار می‌رود و این زبان در پیشرفت خود، به زبان‌های شرقی وامدار است. رسیدن به یک زبان جهانی نیز جز با ترجمه گنجینه‌های ادبیات جهانی امکان ندارد و تنها زبانی که شایستگی آن را دارد که زبان جهانی باشد و همه شاهکارهای زبان‌های دیگر را در خود جمع کند، زبان آلمانی است. وی افکارش را در رساله دکتری خود که در سال ۱۸۱۱ در دانشگاه ینا (Jena) نوشت، عرضه کرد. (العلی حسینیات، ۷۰-۶۹)

### ۳-۳- روش ترجمه

روش ترجمه روکرت آزاد است. هرچند که در این روش، معنا در بیشتر موارد قربانی ریتم و سجع ترجمه شده است.

### ۴-۳- ترجمه روکرت از سوره مبارکه حمد

Die Erste Sura

Überschrieben

Die Eröffnerinn des Buches

-/1 Im Namen Gottes des allbarmherzigen Erbarmers.

1/2 Gelobt sei Gott, der Herr der Welten!

2/3 Der Allbarmherzige, der Erbarmer,

3/4 Der König des Gerichtstags.

4/5 Dir dienen wir, dich rufen wir um Hilf'an.

5/6 Führ' uns den Weg den graden!

6/7 Den Weg derjenigen, über die du gnadest,

7/- Deren auf die nicht wird gezürnt, und deren die nicht irregehn.

(اولین سوره تحت عنوان آغازگر کتاب

به نام خدای رحمتگر کثیرالرحمه

۱. ستایش خدایی را که پروردگار عالم هست

۲. آن کثیرالرحمه رحمتگر

۳. پادشاه روز جزا

۴. تو را می‌پرستیم، از تو یاری می‌خواهیم

۵. ما را به راهی که راست است هدایت کن

۶. راه کسانی که به آنها نعمت دادی

۷. نه راه کسانی که به آنها خشم گرفتی و نه راه آنانی که گمراه شدند.)

الف. نقد روساخت

آنچه در وهله اول در این ترجمه جلب نظر می‌کند شماره‌گذاری آیات است، به طوری

که هر آیه شماره‌گذاری شده درست از اول سطر آغاز می‌شود. حسن این روش در آن است

که خواننده می‌تواند ترجمه آیه مورد نظر خود را به راحتی بیابد.

در ترجمه روکرت، «بسم الله الرحمن الرحيم» شماره‌گذاری نشده و آیه آخر سوره حمد

به دو قسمت تقسیم شده است.

۶. راه کسانی که به آنها نعمت دادی.

۷. راه کسانی که به آنها خشم نگرفتی و راه آنانی که گمراه نشدند.

احتمالاً روکرت بر مبنای نظر بعضی از اهل سنت این شیوه شماره‌گذاری آیات را در



ترجمه‌اش ارائه داده است». آنها معتقدند که «بسمله» یعنی «بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيم» یک آیه از هر سوره محسوب نمی‌شود» (مکارم شیرازی ۱۸).

روکرت نام عربی سوره را در ترجمه‌اش ذکر نکرده و تنها به ترجمه آن بسنده کرده است. مثلاً سوره فاتحه "Al-Fatiha" را (آغازگر کتاب) (Die Eröffnerinn des Buches) نامیده است. البته این برگردان نام سوره‌ها در بسیاری از موارد نیز از محتوای سوره گرفته شده است. مثلاً سوره اخلاص را سوره (اقرار به وحدانیت) (Bekentnis der Einheit) نامیده است.

تمامی معادل‌های جایگزین در سوره حمد به استثنای دو مورد صحیح‌اند، و این نشان دهنده تسلط بالای روکرت به زبان عربی است. این دو مورد عبارتند از: اسم «الحمد» به معنای «ستایش» (Lob od. Preis) که روکرت آن را «Gelobt» یعنی «ستوده شده» ترجمه کرده که اسم مفعول است. مورد بعدی واژه «العالمین» به معنای «جهانیان» است که روکرت آن را جمع «عالم» (Welt) یعنی «جهان‌ها» (Welten) ترجمه کرده است. شایان ذکر است که «عالم» به معنی «جهان» از نظر قواعد صرف عربی نمی‌تواند با علامت جمع مذکر سالم «-ین» جمع بسته شود و این واژه، نه جمع عالم، بلکه واژه‌ای خاص به معنی «جهانیان» یا «همه مخلوقات خداست» که ترجمه درست آن به آلمانی «alle Geschöpfe» است.

#### ب. نقد ژرف ساخت

در ترجمه آیه اول «بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيم» «رحمن» صفت برای «رحیم» قرار گرفته است:

«رحمتگر کثیرالرحمة» (des allbarmherzigen Erbarmers)

در صورتی که دو واژه «رحمن» و «رحیم» همانطور که قبلاً نیز اشاره شد دو صفت برای اسم جلاله «الله» اند.

«به نام خدای رحمن و رحیم»

اما نکته جالب آن است که روکرت در پانویس ترجمه سوره حمد نوشته که این آیه را در ترجمه سوره‌های دیگر حذف کرده، زیرا که تکرارش مهم نبوده است!

در ترجمه آیه پنجم نیز روکرت همانند بسیاری از مترجمان به تأکید و حصر موجود در آیه توجه نکرده است:

«تو را می‌پرستیم، از تو یاری می‌خواهیم»

"Dir dienen wir, dich rufen wir um Hilf'an" "

در کلام عرب می‌گویند: «تقديم ما حقه التأخير يفيد الحصر و التأكيد». تقديم و جلو آوردن هر چیزی که جایگاهش مؤخر است، مفید انحصار و تأکید در کلام است، بنا براین با تقدم مفعول در جمله و گفتن «ایک نعبد و ایاک نستعین» تعبیر انحصار و حصر عبودیت استفاده می‌شود «تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم» (فقط و فقط تو و نه هیچ کس دیگری) (انصاری ۱۷۰). بنابراین ترجمه درست آیه به زبان آلمانی عبارت است از:

"und Dich alleine bitten wir um Hilfe Dir alleine dienen wir"

### ۳-۵- نقاط قوت ترجمه

- روکرت در این ترجمه تلاش کرده است تا آهنگ، وزن و موزونی آیات قرآن را به آلمانی‌زبانان نشان دهد.
- با وجود تمام ایرادهایی که به ترجمه روکرت وارد است، باید گفت که این ترجمه در زمان خود بر تمام ترجمه‌های آلمانی موجود برتری داشته و نیز ترجمه‌ای از اصل عربی قرآن بوده است.
- این ترجمه دارای پانویشت است که در آن درباره بعضی از آیات و واژه‌های قرآن توضیح داده شده است.
- آیات در این ترجمه شماره‌گذاری شده‌اند و هر آیه شماره‌گذاری شده درست از اول سطر آغاز می‌شود.
- ترجمه روکرت قابل فهم‌تر و آسان‌تر از ترجمه‌های پیشین است.
- در ضمیمه ترجمه، اسامی و موضوعات قرآنی شرح داده شده‌اند.

### ۳-۶- نقاط ضعف ترجمه

- در شمارش آیات «بسم الله الرحمن الرحيم» جزو سوره به حساب نیامده است.
- در کنار ترجمه متن عربی قرآن نوشته نشده است تا خواننده بتواند ترجمه و اصل را به طور همزمان قیاس کند.
- بعضی از آیات و واژه‌های قرآن در ترجمه روکرت از قلم افتاده‌اند.
- اسامی عربی سوره‌ها در عنوان ذکر نشده است.
- روکرت در وهله اول به وزن و آهنگ ترجمه توجه داشته است، گرچه در این میان معنای قرآن صحیح و دقیق برگردان نشود.

### نتیجه

در بررسی تاریخچه پیدایش و شکل‌گیری ترجمه‌های آلمانی زبان قرآن و نیز بررسی سه ترجمه (شوایگر، مگرلین و روکرت) به عنوان نمایندگان از این ترجمه‌ها، متوجه تأثیرات عواملی بر کیفیت ترجمه قرآن می‌شویم. یکی از این عوامل، وقایع سیاسی-اجتماعی حاکم بر زمان مترجم است. مثل حمله ترک‌های مسلمان عثمانی و پیشروی آنها در قاره اروپا در زمان شوایگر و مگرلین، که باعث شد انگیزه اصلی آنها از ترجمه قرآن جلوگیری از گسترش و نفوذ اسلام در اروپای مسیحی باشد. اهانت و فحاشی به اسلام و ردیه نویسی علیه آن در مقدمه ترجمه‌های این دو مترجم و نیز انتخاب عنوان «قرآن ترکها» و یا «انجیل ترکی» برای ترجمه‌هایشان، شاهدی دیگر بر این مدعاست. همچنین آغاز نگرش علمی اروپاییان نسبت به اسلام و قرآن در قرن نوزدهم سبب گردید که روکرت ترجمه‌ای بهتر و صحیح‌تر از ترجمه‌های پیشین ارائه دهد. عامل مؤثر دیگر در کیفیت ترجمه، پیشداوری‌ها و باورهای تعصب‌آمیز مترجم است. مثلاً مگرلین بر این باور بود که قرآن تقلیدی از انجیل است و این باور را با انتخاب عنوان «انجیل ترکی» به خواننده منتقل کرده است. و یا در ترجمه، سخن خود را با نام سه خدا آغاز می‌کند (تثلیث مسیحیت) که نوعی مقابله با اصل توحید اسلام است. تسلط مترجم به هر دو زبان مبدأ و مقصد، عاملی دیگر در بهبود کیفیت ترجمه است. همانطور که بررسی نشان داد بیشتر معادل‌های جایگزین روکرت در ترجمه سوره حمد صحیح بودند و این نکته نشان دهنده تسلط بالای وی به زبان عربی است. هر چند که تسلط مترجم قرآن به زبان‌های مبدأ و مقصد شرطی لازم قلمداد می‌شود، اما کافی نیست. کمک گرفتن از تفاسیر معتبر اسلامی و نیز دانشمندان علوم قرآنی، عاملی دیگر در بالا بردن کیفیت ترجمه است. نارسایی‌های موجود در برگردان بعضی از آیات در ترجمه روکرت برخاسته از این مسئله است. عامل بسیار مهم دیگر سبک و روش ترجمه قرآن است. هر سه مترجم روش ترجمه آزاد را در برگردان سوره حمد انتخاب کرده‌اند. اما این روش به طور کامل اجرا نشده است. به این صورت که معنا از قالب اولیه به قالب دیگر ریخته شده، اما به علت عدم امانت داری و حذف و جابجا کردن عبارات و واژه‌های قرآن، پیام قرآن به صورت مبهم و ناقص منتقل شده است. لازم به ذکر است که در صورت اجرای کامل ترجمه آزاد، این روش نسبت به شیوه‌های دیگر ترجمه قرآن یعنی «ترجمه تحت‌اللفظی» و «ترجمه تفسیری» ترجمه‌ای مرغوب و مطلوب به شمار می‌آید (معرفت ۱۸۵).

### Bibliography

- Alali Hosseinat, Mahmoud. (1379/2000). *Tarjomeye Shaere Almani Friedrich Rückert*. (Translated by German poet, Friedrich Rückert) Ghom: Tarjomane Vahy Publications.
- Anssari, Mohammadali. (1383/2004). *Tafsire Sureye Mobarekeye Hamd*. (Interpretation of the Holy Surah of Hamd) Mashhad: Ferdowsi University Publications.
- Bobzin, Hartmut. (1995). *Der Koran in der Übersetzung von Friedrich Rückert*. (Quran in Friedrich Rückert's Translation). Würzburg: Ergon Verlag.
- Bobzin, Hartmut. (1379/2000). *Nazari Ejmali bar tarjomehaye latiniye Qoran*. (A Survey of Latin Translation of the Holy Quran). Tarjomeye Dr. Alireza Anushirvani. Ghom: Tarjomane Vahy Publications.
- Derakhshan Moghaddam, Parisa. (1377/1999). *Tarikhe Adabiyyate Alman* (The History of German Literature). Tehran: Yassavoli Publications (Farhangsara).
- Fück, Johann. (1955). *Die arabischen Studien in Europa- bis in den Anfang des 20. Jahrhunderts* (Arabic Studies in Europe up to the 20<sup>th</sup> Century). Leipzig: Ottoharrassowitz Verlag.
- Haghani, Nader. (1386/2007). *Nazarha va Nazariyehaye Tarjome* (Theories and Views of Translation). Tehran: Amirkabir Publications.
- Kusha, Mohammadali. (1382/2003). *Tarjomeye Tafsiriye Feizolislam az Qurane Karim*. (Interpretive Translation of the Holy Quran by Feyzol-Islam). Ghom: Tarjomane Vahy Publications.
- Megerlin, Daivid Friedrich. (1772). *Die Türkische Bibel, oder des Korans Allererste Teutsche Uebersetzung aus der Arabischen Urschrift Selbst verfertigt* (Turkish Bible, or German Translation of the Holy Quran from Arabic Language). Frankfurt am Main: Johann Gottlieb Garbe Verlag.
- Marefat, Mohammad Hadi: (1383/2004). *Tarikhe Qoran* (The History of the Quran). Tehran: Samt Verlag.
- Makarem Shirazi, Nasser. (1374/ 1995). *Tafsire Nemune* (Tafsir-e Nemuneh) 1 Band. Tehran: Darolkotob Alesslamiye.
- Rückert, Friedrich. (1888). *Der Koran, Herausgegeben und Einleitung von August Müller* (Quran, Compiled and prefaced by August Muller). Frankfurt am Main: Sauerländers Verlag.
- Schimmel, Annemarie. (1991). *Der Islam-Eine Einführung* (An Introduction to Islam). Stuttgart: Philipp Reclam Jun.
- Schweiger, Salomon. (1616). *Alcoranus Mahometicus, Das ist: Der Türcken Alcoran/ Religion und Aberglauben* (Mohammad's Quran, Turkish Quran, Religion and Superstition). Nürnberg Verlag.